

## قانون اصول محاکمات حقوقی

و یا در جلسه محاکمه حاضر نشود و طرف او تقاضای رسیدگی شیبایی نکند جالب میتواند که در حین جریان محاکمه اصلی و یا پس از آن مستقلاً اقامه دعوا بر او بنماید

این نکته را باید در نظر داشت که مداخله شخص ثالث اعم از اجباری یا اختیاری با اعتراض شخص ثالث متفاوت بوده و این دو موضوع را بطوریکه بعداً خواهیم دید نباید مخلوط کرد

مداخله شخص ثالث از جمله وقایعی است که در اثنا محاکمه ممکن است تولید شود در صورتیکه اعتراض ثالث از وسائل فوق‌المراده شکایت نسبت باحکام است که در موقع خود ذکر خواهیم کرد و این اعتراض پس از صدور حکم و قطعیّت آن ممکن است بعمل آید

**وسائل دفاعیه حقیقی - وسائل دفاعیه حقیقی**  
عبارت از موضوعاتی است که مستقیماً با اساس دعوا مربوط بوده و طرفین از توسل بدان میتوانند صحت ادعای خود و یا رد ادعای طرف مقابل را ثابت کنند و این قبیل وسایل را بطور کلی و مطلق دلائل مینامند بنا بر این مهم ترین اقدامی که در اثنا محاکمه بعمل میاید اقامه دلیل است و بدون اقامه دلیل هیچ دعوائی قابل اثبات نبوده ولو اینکه در باطن آن ادعا حقیقت داشته باشد و برعکس با داشتن دلیل هر ادعائی را میتوان ثابت کرد ولو اینکه در باطن امر آن ادعا مقرون بحقیقت نباشد

اصولاً این نکته را باید در نظر داشت که غالباً برای اثبات دعاوی ناحق نمی توان دلائل محکمی اقامه کرد و بنا بر این میتوان چنین نتیجه گرفت که دلائل

پس از ورود ثالث جریان امر و محاکمه در هر درجه مطابق مقررات عمومی آن درجه بعمل خواهد آمد در مداخله اجباری یعنی وقتیکه شخص ثالث مجبوراً در محاکمه بین دو نفر دخالت پیدا میکند هر یک از طرفین میتوانند بطلب ثالث اقدام نمایند و این اقدام فقط برای این نیست که جلوگیری از اعتراض آن ثالث نسبت بحکمی که در دعوا صادر میشود بعمل آورد بلکه حکم صادره همانشکل که نسبت بمقتضیین معتبر میباشد نسبت بثالث نیز معتبر و قابل اجرا خواهد بود

ثالث نیز مثل دعوی تقابل مدت محدودی دارد باین معنی که اگر مدعا علیه خود را محق بطلب ثالثی بدانند باید از روز ابلاغ عرضحال تا موعدی که برای دادن لایحه جوابیه مقرر است عرضحال در این باب بحکمه بدهد و همچنین هر گاه مدعی در نتیجه جواب با اعتراض مدعا علیه بخواهد ثالثی را جلب کند باید تا آخر موعدی که برای دادن جواب بلا یحه مدعا علیه مقرر است عرضحال جواب تقدیم نماید

عرضحال جلب باید بار و نوشت مدارك آن در ۳ نسخه بضمیمه يك نسخه از رو نوشت اسناد طرف تقدیم شود و پس از تکمیل آن مدیر دفتر محکمه باید يك نسخه آنرا برای طرف و يك نسخه آنرا برای مجلوب بفرستد

ماده ۱۶۲ قانون آزمایش شخص ثالث مجلوب را مدعی علیه دانسته و تمام مقررات راجع بمدعا علیه را در باره او جاری میکند

هر گاه مجلوب ثالث در مواعد مقرر جواب ندهد

وسيله اثبات حق و تنها راهی است که برای کشف حقیقت موجود می باشد.

معلومات و اطلاعاتی ممکن است برای قاضی قبل از طرح دعوا حاصل شده باشد و یا در مدت طرح دعوا ولی در خارج از پرونده محاکماتی در محاکم نمیتواند موجب صدور حکم واقع شود زیرا که در این موارد قاضی در حکم شاهد تلقی خواهد شد.

اقامه دلیل بهمه مدعی است و در این جا کلامه مدعی بمعنی اعم استعمال شده یعنی تنها شامل طرح کننده دعوا نیست و اگر مدعی علیه در محکمه اظهاری نماید بایستی صحت اظهار خود را ثابت کند و این قسمت بخوبی در ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات که عبارت آن عیناً نقل میشود گنجانده شده است.

### ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات

مدعی باید ادعای خود را ثابت نماید و مدعا علیه که اعتراض میکند باید اعتراض خود را مدلل دارد و هیچ محکمه در صدور دلایل نباید بر آید مدرک حکم فقط دلایل اصحاب دعوا خواهد بود.

قبل از آنکه اقسام دلایل شرح داده شود این نکته را باید یاد آور بود در اصطلاح قانونی بین مدارک دعوی و دلایل آن فرق مهمی موجود است باین معنی که برای امکان طرح دعوا مدرک لازم است و محاکم عدلیه نمیتوانند دعوی بیدرکی را قبول کنند و بر عکس دلایل ادعا عبارت از مجموعه مدارکی است که مدعی برای اثبات و مدعا علیه برای رد دعوا در محکمه اقامه می کند و آنرا مسقط دعوی و مدافعات خود می دارد ببارت اخیری مدرک ادعا عبارت از دلایلی است که بدو مدعی در موقع اقامه دعوا و برای قبول شدن آن محکمه تقدیم میدارد.

دلایل عبارت از کلیه وسائلی است که طرفین در ضمن جریان دعوا برای اثبات صحت اظهارات خود بان متوسل

می شوند ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی مصوبه ۱۳ مهر ۱۳۱۴ راجع باثبات و دفاع دعوا بطریق ذیل تنظیم یافته است ( هر کس مدعی حقی باشد باید آنرا اثبات کند و مدعا علیه هر گاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج بدلیل باشد اثبات امر بر عهده اوست )

بطوریکه ملاحظه میشود این ماده نیز در زمینه تایید ماده ۶۳ قانون تسریع محاکمات تنظیم یافته منتفی مقصود را صریح تر و ساده تر بیان میکند.

ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلایل اثبات دعوا را به پنج قسمت منقسم نموده

- ۱- اقرار
- ۲- اسناد کتبی
- ۳- شهادت
- ۴- امارات
- ۵- قسم

اقرار - اقرار طرف مقابل اصولاً محکم ترین دایلی است که طرف دیگر میتواند برای اثبات صحت دعوی خود متمسک بدان شود زیرا هر گاه مدعا علیه بصحت دعوی طرف خود اذعان نمود دیگر هیچ محکمه نمیتواند از صدور حکم بفرع طرف خودداری کند و یا آنکه دلایل جدیدی از طرف مقابل بخواهد.

اقرار بر دو قسم است کتبی و شفاهی و واقع میشود بهر لفظی که دلالت بر آن بنماید مثلاً اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است و این معنی را ماده ۱۲۶۱ قانون مدنی تجویز کرده است بر طبق تفسیری که قانون مدنی از اقرار کرده عبارت از اخبار بحقی است برای غیر و بر ضرر خود.

اقرار کننده بایستی بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد بنا بر این اقرار صغار و مجانین و اشخاصی که تحت اجبار باشند مؤثر نخواهد بود.